خارج فقه ج 101 - افعال وضو – 1400.12.22

موضوع: (فصل فی افعال الوضوء - وضوی افراد غیر متعارف - معانی رجوع به متعارف - نظر استاد)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

اما موارد دیگر اعضای وضو که سید نقل کرده‌اند:

مورد اول: شخص انزع یعنی آن کسی که موهای قسمت بالای پیشانی­اش از دو طرف ریخته است. در لغت موهای جلوهای پیشانی که ریخته می‌شود را انزع می‌گویند و منظور سید در عروه هم دو طرف و هم جلوی پیشانی است حال چنین کسی تکلیف او چیست؟ چون برای او رستنگاه مو مشخص نیست.

مورد دوم: اَغم یعنی آن‌کسی که تا پایین پیشانی مو دارند و رستنگاه موی آن‌ها مشخص نیست.

مورد سوم: کسانی که دست یا صورت به‌طور غیرمعمولی دارند.

فتوای سید برای هر سه مورد فوق مراجعه به متعارف می‌شود که افراد متعارف هر مقداری که می‌شویند آن‌ها هم می‌شویند هم از نظر طول و هم عرض.

تحقیق استاد:

درباره رجوع انزع و اغم به متعارف بحثی نیست چون نه روییدن مو روی پیشانی، دایره پیشانی را باریک می‌کند و نه صاف بودن جلوی سر به پیشانی وسعت می‌دهد لذا طولانی بودن و کوتاه بودن و امثال آن نقشی در پیشانی ندارد و باید به متعارف مراجعه کند، عمده بحث نسبت به افرادی است که دست و صورت آن‌ها غیر متعارف است اما تحقیق رجوع این عده به متعارف بر سه امر است:

امر اول: و هو المختار که متعارف اشاره به کسانی است که خلقت آن‌ها هم صورت و دست مستوی الخلقه باشد که اگر منظور سید این قسم باشد یعنی هم صورت و دست آن‌ها غیر مستوی الخلقه است اما متناسب با هم است باید به همان تناسب وضو بگیرند اما اگر غیرمتناسب بود مثلاً انگشتان دست بزرگ‌تر از دست بود باید مراجعه کنند به کسانی که خلقت متعارفی دارند چون اولاً: در بین مردم غلبه با این‌ها است و ثانیاً: متعارف هم با این‌ها است، این بحث در مقدار کر هم آمده بود که طول و عرض را سه وجب و نیم باشد حال وجب در عربی شِبر است که شبر مستوی الخلقه است.

امر دوم: مرحوم حکیم فرمودند[[1]](#footnote-1): وجه یک مفهوم بیشتر ندارد چه صورت بزرگ باشد و نباشد لذا اگر در روایت فرمود میزان ما بین ابهام و وسطی است این میزان موضوعیت ندارد و طریقیت دارد چون صورت‌ها و دست‌ها مختلف است به همین خاطر که میزان طریقی است علمای ما افراد غیر متعارف را به متعارف ارجاع می‌دهند بله گاهی حمل بر متعارف مشکل می‌شود چون انسان‌های متعارف هم مختلف‌اند از نظر زیاده و نقیصه و باید به متعارف‌ها رجوع کنند.

اشکال استاد: معنای متعارف اگر به‌عنوان طریقی باشد درجایی که خلاف متعارف است اما تناسب بین دست غیر متعارف با صورت غیر متعارف است طبق نظر شما این است که او به متعارف مراجعه کند درحالی‌که دست با صورت تناسب دارد و لازم نیست به افراد متعارف رجوع کند و میزان همان حد انگشت او است.

امر‌ سوم: مرحوم خویی فرمودند[[2]](#footnote-2): تحدید، شخصی است اما حکم، انحلالی است یعنی اینکه امام علیه‌السلام فرمودند «ما بین ابهام و وسطی» این شخصی است و هرکسی به خودش مراجعه کند و وظیفه خودش را انجام دهد و اینکه قرآن فرمود ﴿فاغسلوا وجوهکم﴾ این شستن صورت، انحلالی است یعنی به تعداد فرد فرد مکلفین منحل می‌شود بنابراین درجایی که صورت بزرگ و دست کوچک است و برعکس، دوران بین اقل و اکثر است یا اصغر و اکبر که در اینجا قدر متیقن اقل است و نسبت به اکثر یا اکبر باید به متعارف مراجعه کرد.

اشکال استاد:

اولاً: انحلالی بودن ربطی به وجوب ندارد و مربوط به امر غَسل است درحالی‌که بحث ما موضوعی است نه تکلیفی بلکه سؤال اینست که وجه غیر متعارف بااینکه وجه صدق می‌کند آیا می‌تواند به میزان ابهام و وسطی عمل کند یا نه؟

ثانیاً: دوران بین اقل و اکثر محور بحث ما نیست بلکه بحث ما غیر متعارف است اما غیر متعارف گاهی صورت مناسب با دست و یا دست مناسب با صورت است و گاهی دست کوتاه‌تر از صورت و یا برعکس است و در این موارد متعارف همان مستوی الخلقه است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. - المستمسک، ج2، ص330. [↑](#footnote-ref-1)
2. - التنقيح في شرح العروة الوثقى؛ الطهارة4، ص: 55. [↑](#footnote-ref-2)